

چالش اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده

حسین مفیدی احمدی (پژوهشگر ارشد مهمان در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه)

۲۷ آذر ۱۳۹۶

شماره مسلسل: ۳۳۰۰۴۳۹

شماره شاپا: ۲۴۲۳-۵۳۸۵

جهانی شدن؛ از دست رفتن قدرت رقابتی اروپا در سطح جهانی و جهانی متمایل به مناقشه که بر محیط امنیتی اروپا و آلمان به شدت اثر می‌گذارد مواجه هستیم. در سناریوهای بعدی نیز با عناوین "رقابت چندقطبی" و "غرب علیه شرق"، گسترش افراط‌گرایی و گرایش برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به مدل "سرمایه‌داری دولتی" روسیه و تعلیق روند ادغام در اتحادیه اروپا توسط برخی کشورهای شرقی این اتحادیه و پیوستن آن‌ها به بلوک‌های شرقی دیگر پیش بینی شده است.

چالش‌ها و ابرچالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا

چالش‌هایی که اتحادیه اروپا پس از سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ با آن مواجه بوده است چه از منظر سطح و چه از منظر مخاطره انگیز بودن بی سابقه بوده است. چالش‌هایی که هم داخلی هستند و هم خارجی؛ هم کوتاه مدت و هم احتمالاً دائمی هستند و کشورهای اصلی اتحادیه اروپا را به مانند کشورهای پیرامونی این اتحادیه در بر می‌گیرند. با این وجود، چالش‌ها و ابرچالش‌های پیش روی اتحادیه اروپا، ذیل سه عنوان اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده؛ اتحادیه اروپا به‌عنوان یک سازمان و اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی قابل تقسیم هستند. به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا به‌عنوان یک سازمان و به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی با چهار ابرچالش عمده مواجه است: فشار شدید پناه‌جویان و مهاجران بر نظام شینگن؛ پدیده جنگ در اروپای شرقی و روابط پرمناقشه با روسیه؛ مشقت و فقر در جنوب اروپا به لطف بحران منطقه یورو و گسترش گرایش‌های شکاک به اروپا به لطف برگزیت.

چالش اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده

علاوه بر ابرچالش‌های مورد اشاره در سطور فوق، چالش بنیادی اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده باید در کانون توجه قرار گیرد. به‌عنوان مثال رقابت فزاینده میان مدل‌های مختلف دولت رفاه؛ روابط در حال تغییر بین دولت؛ سرمایه‌داری و دموکراسی و گرایش به سمت مدل‌هایی چون "سرمایه‌داری دولتی" به چالش اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده بازمی‌گردند. چالش اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده و در نتیجه سناریوهای برآمده از این چالش، می‌تواند ریشه‌های مختلفی داشته باشد. به‌عنوان مثال، این فرضیه مطرح است که "حداقل یکی از رقابت‌هایی که جهان آینده را حتی در اروپا خواهد ساخت، رقابت میان بازار آزاد و "سرمایه‌داری دولتی" خواهد بود.

سند تحلیلی روندهای سیاسی و اجتماعی در اروپا و جهان با عنوان "چشم‌انداز استراتژیک ۲۰۴۰" که توسط وزارت دفاع آلمان تهیه شده است، مورد توجه تحلیل‌گران مسائل اروپا قرار گرفت. این سند که بخش‌هایی از آن در قالب گزارش‌های خبری و تحلیلی انتشار یافته است، شش سناریوی باورکردنی درباره آینده جهان غرب به صورت عام و پروژه اروپا به صورت خاص را مورد توجه قرار داده است. (۱) به نظر می‌رسد در رویکردی آینده‌پژوهانه، این نحوه مواجهه با ابرچالش‌ها و چالش‌های اتحادیه اروپا و غرب است که بر سازنده طیف گسترده‌ای از آینده‌های باورپذیر برای پروژه اروپا خواهد بود. در این میان، چالش اتحادیه اروپا و غرب به‌عنوان یک ایده و نحوه مواجهه با آن را باید مهم‌ترین پیش‌ران بر سازنده آینده‌های اروپا در نظر گرفت.

سناریوهای سند "چشم‌انداز استراتژیک ۲۰۴۰"

سه سناریو از شش سناریوی بازتاب یافته در سند تحلیلی روندهای سیاسی و اجتماعی در اروپا و جهان تا سال ۲۰۴۰ را باید در دسته سناریوهای خوش‌بینانه برای غرب و اتحادیه اروپا تقسیم‌بندی کرد. سناریوهایی که با عناوین "محیط صلح بین‌المللی"؛ "جهان غرب‌گرا" و "ایجاد دو قطب شرق و غرب با تنش‌هایی محدود" در سند مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. بدیهی است سناریوهای بدبینانه تر در این گزارش، به علت پیامدهایشان بر سپهر سیاسی، امنیتی و اجتماعی جهان غرب و اروپا بیشتر مورد توجه بوده‌اند. در بدترین سناریو، فروپاشی اتحادیه اروپا و قرار گرفتن آلمان در وضعیت کنش‌پذیر پیش‌بینی شده است. در این سناریو با کلید واژگان و عباراتی چون فروپاشی نظم بین‌المللی پس از دهه‌ها بی‌ثباتی؛ توقف روند

است. به نظر می‌رسد تلاش چین برای رهبری "سرمایه‌داری دولت‌محور" در عرصه جهانی یکی از عوامل شکل‌دهنده راهبردهای اقتصادی این کشور در مقابل کشورهای و حوزه‌های جغرافیایی مختلف بوده است. واقعیتی که برخی از تحلیل‌گران آن را "جهانی‌شدن با ویژگی‌های چینی" (لکوره، ۲۰۱۶) خوانده‌اند. اروپا نیز از تأثیر این راهبرد به دور نبوده است. شاید استفاده از عبارت "تهاجم فرهنگی موزی چین در اتحادیه اروپا" (لکوره، ۲۰۱۶) نیز بازتابی از این واقعیت باشد. می‌دانیم که به‌ویژه بعد از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ در اروپا، نیاز کشورهای اروپایی به‌ویژه در منطقه اروپای شرقی و مدیترانه شرقی برای کسب سرمایه خارجی با هدف رونق دهی اقتصادی فزونی یافته است. در این چارچوب، مقامات چینی از این نیاز هم برای چانه‌زنی سیاسی و هم برای تحدید کنش جمعی کشورهای اروپایی در چارچوب اتحادیه اروپا برای محدودسازی ورود سرمایه و کالاهای چینی به اروپا استفاده کرده‌اند. (۲)

واقعیت دیگر در ارتباط با چالش اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده به کنش‌های رسانه‌ای، فرهنگی و سیاسی روسیه بازمی‌گردد. امروزه گرایش قدرتمندی بین سیاستمداران اروپایی وجود دارد که بخش مهمی از مخالفت‌های سیاسی و اجتماعی با وضع موجود در اروپا - حتی در خصوص تحولات اخیر در منطقه کاتالونیای اسپانیا - الهام گرفته از کرملین و جنگ ترکیبی این کشور علیه دموکراسی‌های غربی است.

پیش‌ران‌های برساننده آینده‌های اروپا

همانگونه که گفته شد نحوه مواجهه نهادی و هنجاری اتحادیه اروپا با ابرچالش‌های پیش روی آن به‌ویژه چالش‌های اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده (به‌عنوان مثال ظرفیت و سطح انطباق کشورهای اروپایی با هنجارهای اتحادیه اروپا)، پیش‌ران اصلی برساننده سناریوهای پیش روی پروژۀ اروپا خواهد بود. در این چارچوب شاید بتوان نحوه مواجهه هنجاری، اقتصادی و نهادی آلمان - به‌عنوان موتور محرکه اصلی اتحادیه اروپا - با چالش‌های این اتحادیه و سطح نفوذ احزاب طرفدار اروپا در سپهر سیاسی و اجتماعی اروپا را پیش‌ران‌های اصلی برساننده آینده‌های اروپا در نظر گرفت. البته شاخص‌های مرتبط با پیش‌ران‌های دیگری چون سطح نفوذ و اثربخشی فرهنگ یوروآتلانتیکی و اجتماع فرآتلانتیکی؛ آینده‌های سیاسی و امنیتی روسیه و تحولات در مرزهای جنوبی اتحادیه اروپا نیز در هر نگاه آینده‌پژوهانه به آینده‌های اروپا باید مورد توجه قرار گیرد.

در این فرضیه مطرح می‌شود که "اوجگیری خصوصی‌سازی می‌تواند از جمله به کاهش شغل در بسیاری از کشورهای منجر شود و در نتیجه، عقب‌نشینی دموکراسی و/یا بازار آزاد را به همراه آورد. به‌عنوان مثال خصوصی‌سازی در روسیه موجب عقب‌نشینی همزمان بازار آزاد و دموکراسی شد و در مورد کشوری چون لهستان خصوصی‌سازی، دموکراسی را تضعیف کرد." (موسسه اسپن، ۲۰۱۷) واقعیت دیگر مرتبط با این فرضیه آن است که بحران‌های مالی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، برخی رهبران اروپایی از جمله در اروپای شرقی را به این نتیجه رساند که وابستگی بیش از حد به بازار آزاد می‌تواند بسیار خطرناک باشد. تحلیلی که زمینه‌ساز افزایش جذابیت "سرمایه‌داری دولتی" در این منطقه شد. دیگر آنکه، مشکل پسابرگرت دموکراسی‌های بالغ اروپا آن است که تنها روایت منسجم موجود آنها برای رأی‌دهندگان گریزپیشان، همان کلان‌روایت بازار بیشتر و جهانی‌شدن است. کلان‌روایتی که بخش‌های مهمی از مردم با آن مخالف هستند. در واقع افزایش گرایش‌های حمایت‌گرایانه در اروپا، از تضعیف این اعتقاد برمی‌خیزد که ادغام اقتصادی بین‌المللی باید به‌عنوان نیروی محرکه اصلی توسعه اقتصادی در سراسر جهان درک شود.

فرضیه اصلی که به نظر می‌رسد پشت سناریوهای "رقابت چندقطبی" و "غرب علیه شرق" قرار دارد نیز بی‌ارتباط با چالش اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده نیست. این فرضیه آن است که تضاد منافع؛ ارزش‌ها و چشم‌اندازهای آینده، در بلندمدت، به ایجاد شکاف بین شرق و غرب قاره اروپا منجر خواهد شد. به نظر می‌رسد باورپذیری این سناریو به برخی ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای اروپای شرقی نیز مرتبط است. به‌عنوان مثال، مدل‌های حکمرانی تعدادی از کشورهای این حوزه چون مجارستان و لهستان که به پسرهای بد اروپا نیز مشهورند، به مدل "دموکراسی غیر لیبرال" نزدیک‌تر است. از دیگر سو، کشورهایی چون صربستان، آلبانی، مقدونیه و کشورهای بالکان، خواهان عضویت در اتحادیه اروپا هستند ولی با طیف گسترده‌ای از مشکلات و چالش‌ها مواجه هستند. چالش‌هایی چون تنش‌های قومی خشونت‌آمیز؛ بی‌ثباتی سیاسی؛ ادارات دولتی ضعیف؛ شکنندگی اقتصادی؛ فساد و جرایم سازمان‌یافته. بدیهی است این چالش‌ها، جذب هنجاری این کشورها را در اتحادیه اروپا تقریباً غیرممکن می‌سازد.

واقعیت دیگر در ارتباط با چالش اتحادیه اروپا به‌عنوان یک ایده، به "بازی بزرگ" در اروپای شرقی و مدیترانه شرقی بازمی‌گردد و آن ورود هنجاری و اقتصادی چین به این منطقه

پانوشتها

- ۱- برای مطالعه بیشتر در خصوص برخی از ابعاد "چشم انداز استراتژیک ۲۰۴۰"، مراجعه شود به: (این‌دپندنت، ۲۰۱۷)
- ۲- به عنوان مثال شاهد ایجاد گروهی غیر رسمی توسط چین با عنوان "ابتکار ۱۶+۱" هستیم که متشکل از چین و ۱۶ کشور اروپای شرقی و مرکزی عضو و غیر عضو اتحادیه اروپاست. ابتکاری که ضمن گسترش روابط با این کشورها می‌تواند همراهی آنها را با مواضع منطقه ای و جهانی پکن به همراه آورد.

منابع

- Aspen Institute, ۲۰۱۷, An Interview with Joshua Kurlantzick by Maciej Nowicki, in: <https://www.aspenreview.com/article/۲۰۱۷/the-rise-of-state-capitalism/>
- Independent, ۲۰۱۷, Leaked German military documents detail plans in case of EU collapse, ۸ November
- Le Corre, Philippe, ۲۰۱۶, China's Offensive in Europe, Brookings, May ۱۷

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.
متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان
بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.